

راهکارهای افزایش اعتمادبه‌نفس و بروز خلاقیت در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول

شهرستان کوه‌دشت

کرم الله جوانمرد^۱، زینب عجمی ضرون^۲

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، لرستان، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۱۶-۱۰۷

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی راهکارهای افزایش اعتمادبه‌نفس و بروز خلاقیت در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهرستان کوه‌دشت انجام شده است. آزمودنی‌ها دانش‌آموزان پایه‌های هفتم تا نهم دوره متوسطه اول بودند که از چند مدرسه به‌طور تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش انتخاب شدند. در این تحقیق از تست‌های استاندارد شده مانند آزمون‌های تفکر خلاق تورنس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد محیط‌های آموزشی پشتیبان و استفاده از روش‌های تقویت مثبت می‌تواند به بهبود قابل‌توجهی در ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های خلاقیت دانش‌آموزان منجر شود. این تأثیرات به‌صورت همزمان در دو حوزه اعتمادبه‌نفس و خلاقیت مشاهده شده است. استفاده از استراتژی‌های آموزشی مثبت می‌تواند به بهبود معناداری در ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های خلاقیت دانش‌آموزان منجر شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که استفاده از روش‌های آموزشی مناسب می‌تواند بهبود مؤثری در ویژگی‌های شخصیتی و تحول در دانش‌آموزان ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی: اعتمادبه‌نفس، خلاقیت، استراتژی‌های آموزشی، مقطع متوسطه.

مقدمه

اعتماد به نفس و خلاقیت از ویژگی‌های حیاتی برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است. اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان دو عامل مهم در موفقیت تحصیلی و زندگی اجتماعی آن‌ها هستند. اعتماد به نفس به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که با اطمینان به توانایی‌ها و توانمندی‌های خود نگاه کنند و در مواجهه با چالش‌ها و مسائل مختلف، از خود اطمینان داشته باشند. این اعتماد به نفس باعث ایجاد انگیزه و اراده برای دستیابی به اهداف می‌شود و دانش‌آموزان را تشویق به خلاقیت و نوآوری می‌کند (روسناک و روسکیپچین^۱، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، خلاقیت نقش بسیار مهمی در توسعه تفکر و توانایی حل مسائل دانش‌آموزان دارد. خلاقیت به آن‌ها کمک می‌کند تا به راحتی با چالش‌ها مواجهه کرده و راه‌حل‌های جدیدی برای مسائل پیدا کنند؛ بنابراین، توجه به افزایش اعتماد به نفس و ترویج خلاقیت در محیط آموزشی می‌تواند بهبود یادگیری و توسعه مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان کمک کند (ژو و ژو^۲، ۲۰۲۱). محققان و شاغلین آموزشی به طور فزاینده‌ای اهمیت پرورش اعتماد به نفس و خلاقیت در دانش‌آموزان را برای آماده‌سازی آن‌ها برای چالش‌های آینده تشخیص داده‌اند. اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی در توسعه مهارت‌های زندگی و حل مسائل ایفا می‌کنند که از اهمیت بسزایی برخوردارند (ریزی و همکاران^۳، ۲۰۲۰). اعتماد به نفس دانش‌آموزان موجب می‌شود که آن‌ها بتوانند با اطمینان به توانایی‌ها و استعدادها خود نگاه کنند و به راحتی با چالش‌ها مواجه شوند. این اعتماد به نفس باعث ایجاد انگیزه و اراده برای دستیابی به اهداف می‌شود و دانش‌آموزان را تشویق به خلاقیت و نوآوری می‌کند (اکبری و صاحبزاده^۴، ۲۰۲۰).

خلاقیت نقش بسیار مهمی در توسعه تفکر و توانایی حل مسائل دانش‌آموزان دارد. خلاقیت به آن‌ها کمک می‌کند تا به راحتی با چالش‌ها مواجهه کرده و راه‌حل‌های جدیدی برای مسائل پیدا کنند. این مهارت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند و محققان و شاغلین آموزشی آن‌ها را از این حقیقت آگاه کرده‌اند (لیو و همکاران^۵، ۲۰۲۱). این موضوع که بسیاری از برنامه‌های درسی دبیرستان فاقد مداخلات هدفمند برای تقویت اعتماد به نفس و خلاقیت هستند، مسئله‌ای است که توسط بسیاری از پژوهشگران و متخصصان آموزش مطرح شده است. این امر می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند عدم توجه به این مهارت‌ها در طراحی برنامه‌های درسی، فشار زمانی برای پوشش مطالب آموزشی، یا عدم دسترسی به روش‌ها و ابزارهای مناسب برای تقویت این موارد باشد (لوپز-آیمز و همکاران^۶، ۲۰۲۰). با این حال، تحولات اخیر در حوزه آموزش و پژوهش نشان داده است که توجه به اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. برنامه‌های آموزشی جدید تلاش می‌کنند تا با استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی، اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان را تقویت کنند. از جمله روش‌هایی که ممکن

¹ Rusnac & Roşciupchin

² Xu & Xu

³ Rizzi et al

⁴ Akbari & Sahibzada

⁵ Liu et al

⁶ López-Aymes et al

است در برنامه‌های آموزشی مدرن مورد استفاده قرار گیرند می‌توان به یادگیری مبتنی بر پروژه، ارائه بازخورد مؤثر، تشویق به انعکاس خودآگاهانه، و ایجاد فضاهای آموزشی امن برای خطاها و ریسک‌پذیری اشاره کرد (چان و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

با این توضیحات، به نظر می‌رسد که در طراحی برنامه‌های درسی برای دبیرستان، توجه به تقویت اعتمادبه‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است و برنامه‌هایی که این ابعاد را در نظر بگیرند می‌توانند بهبودیافته‌های قابل توجهی در یادگیری و توسعه شخصیت دانش‌آموزان داشته باشند (توبی^۲، ۲۰۲۳).

رویکردهای آموزشی سنتی اغلب بر یادگیری تکه‌تکه و تست استاندارد تأکید دارند که ممکن است خلاقیت را خفه کند و در ایجاد اعتمادبه‌نفس ناکام باشد. در این رویکردها، بیشتر تمرکز بر روی حفظ اطلاعات و مهارت‌های پایه است و دانش‌آموزان بیشتر به‌عنوان گیرنده‌ها تلقی می‌شوند که باید اطلاعات را به‌دقت یاد بگیرند و در آزمون‌ها عملکرد خوبی داشته باشند (همان). این نوع رویکرد به‌طور معمول به تحلیل‌ها و تفکر خلاقانه کمتر توجه می‌کند و ممکن است باعث کاهش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان شود، زیرا آن‌ها احساس می‌کنند که بر اساس استانداردهای سنتی ارزیابی می‌شوند و موفقیت خود را فقط از زاویه نمرات و امتیازات درک می‌کنند (والی و همکاران^۳، ۲۰۲۰). به‌علاوه، این رویکردها ممکن است توانایی‌های خلاقیت دانش‌آموزان را محدود کنند زیرا در بیشتر موارد، تشویق به فکر خلاق و ایده‌پردازی درسی وجود ندارد. بهتر است رویکردهای آموزشی که به توانمندی‌های خلاق دانش‌آموزان توجه دارند و فرصت‌هایی برای اعتمادبه‌نفس و خلاقیت آن‌ها فراهم می‌کنند، در برنامه‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرند (کامیلری^۴، ۲۰۲۱).

نیاز به راهبردهای مبتنی بر شواهد وجود دارد که بتوان آن‌ها را در برنامه درسی مدرسه ادغام کرد تا به‌طور مؤثر اعتمادبه‌نفس و خلاقیت را در بین دانش‌آموزان افزایش دهد. در زمینه عنوان تحقیق حاضر پژوهش‌هایی در گذشته انجام شده است. آسیمیدو و همکاران^۵ (۲۰۲۱) در تحقیق خود سهم آموزش نمایش در رشد اعتمادبه‌نفس نوجوانان را بررسی کردند. این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی یک برنامه مداخله مبتنی بر کلاس درس طراحی شده برای افزایش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد. این مداخله شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تمرین‌ها بود که بر ایجاد عزت‌نفس، تشویق به تفکر خلاق و ترویج ذهنیت رشد متمرکز بود. این پژوهش از نوع نیمه تجربی با دو گروه دانش‌آموزی (مداخله و کنترل) از دو دبیرستان مختلف بود. ارزیابی‌های قبل و بعد از مداخله برای اندازه‌گیری تغییرات در اعتمادبه‌نفس، خلاقیت و متغیرهای مرتبط انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که دانش‌آموزان گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل بهبود قابل توجهی در اعتمادبه‌نفس، توانایی‌های تفکر خلاق و عملکرد کلی تحصیلی نشان دادند. این مداخله به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که در ابتدا سطح پایین‌تری از اعتمادبه‌نفس و خلاقیت داشتند، مؤثر بود.

¹ Chan et al

² Tobe

³ Vallée et al

⁴ Camilleri

⁵ Asimidou et al

باربوت و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود به بررسی مقیاس چندبعدی عزت نفس (EMES-16): ارزیابی روان‌سنجی یک مقیاس خاص از عزت نفس برای نوجوانان پرداختند. این مقاله رویکردی جامع برای پرورش خلاقیت و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دوره متوسطه با ترکیب راهبردها و تکنیک‌های مختلف از رشته‌های مختلف ارائه می‌کند. اهداف اولیه ایجاد یک برنامه چندبعدی بود که به جنبه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی خلاقیت و اعتماد به نفس می‌پردازد و اثربخشی آن را در محیط مدرسه ارزیابی می‌کند. این پژوهش از رویکرد کمی استفاده کرد. ارزیابی‌های قبل و بعد از مداخله برای اندازه‌گیری تغییرات در اعتماد به نفس، تفکر خلاق و عوامل مرتبط انجام شد. علاوه بر این، بحث‌های گروهی متمرکز و بازتاب‌های دانش‌آموزان برای به دست آوردن بیش در مورد تأثیر برنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که رویکرد چندبعدی در بهبود اعتماد به نفس، مهارت‌های حل مسئله خلاق و مشارکت کلی در یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است. داده‌های کیفی نشان داد که دانش‌آموزان ذهنیت مثبت‌تری داشتند، انگیزه بیشتری داشتند و تمایل بیشتری برای ریسک‌پذیری و کشف ایده‌های جدید داشتند. همایون و انریکسن^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی خلاقیت در آموزش، مروری بر نظریه‌های خودباوری خلاق و روش‌های مبتنی بر هنر پرداختند. این پژوهش از رویکرد کیفی شامل مشاهدات، مصاحبه و تجزیه و تحلیل آثار هنری و تأملات دانشجویان استفاده کرد. این تحقیق در چندین مدرسه متوسطه انجام شد که شامل دانش‌آموزان با پیشینه‌های مختلف بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مداخلات مبتنی بر هنر محیطی امن و جذاب برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا خلاقیت خود را کشف کنند و اعتماد به نفس خود را ایجاد کنند. دانش‌آموزان افزایش ابراز خود، بهبود عزت نفس و قدردانی بیشتر از توانایی‌های خلاق خود را گزارش کردند. این مطالعه همچنین پتانسیل مداخلات مبتنی بر هنر را برای تقویت یادگیری اجتماعی-عاطفی و ایجاد جو مثبت مدرسه برجسته کرد.

تینگ و یه^۳ (۲۰۲۳) در تحقیق خود اثرات مداخله ذهنیت رشد و رابطه ذهنیت، باور امید و خودکارآمدی در طی یادگیری مبتنی بر بازی خلاق را بررسی کردند. این مطالعه با استفاده از طرح کارآزمایی تصادفی کنترل‌شده انجام شد. شرکت‌کنندگان به طور تصادفی در دو گروه مداخله‌ای که آموزش ذهنیت رشد را دریافت کردند یا گروه کنترل که هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند، تقسیم شدند. ارزیابی‌های قبل و بعد از مداخله برای اندازه‌گیری تغییرات در اعتماد به نفس، توانایی‌های تفکر خلاق و باورهای ذهنیت رشد انجام شد. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان گروه مداخله نسبت به گروه کنترل پیشرفت‌های قابل توجهی در اعتماد به نفس، مهارت‌های تفکر خلاق و باورهای ذهنیت رشد نشان دادند. محققان به این نتیجه رسیدند که مداخلات ذهنیت رشد می‌تواند رویکردی مؤثر برای پرورش اعتماد به نفس و خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی باشد. یانگ و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود به بررسی افزایش خلاقیت و اعتماد به نفس از طریق داستان‌سرایی دیجیتال مشترک پرداختند. این مطالعه از یک طرح تحقیق کیفی، شامل مشاهدات، بحث‌های گروهی متمرکز و تحلیل داستان‌های دیجیتالی ایجادشده توسط دانش‌آموز استفاده کرد. شرکت‌کنندگان دانش‌آموزان دبیرستانی بودند که در طول سال تحصیلی در پروژه‌های داستان‌سرایی دیجیتال مشارکت داشتند.

¹ Barbot et al

² Homayoun & Henriksen

³ Ting & Yeh

یافته‌ها نشان داد که داستان‌سرایی دیجیتالی مشارکتی محیطی حمایت‌کننده و جذاب برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا خلاقیت خود را کشف کنند و اعتمادبه‌نفس خود را ایجاد کنند. دانش‌آموزان افزایش انگیزه، بهبود مهارت‌های ارتباطی و همکاری و احساس موفقیت بیشتر را گزارش کردند. محققان پتانسیل داستان‌سرایی دیجیتالی مشترک را به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای ارتقای خلاقیت، ابراز وجود و اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان دبیرستانی برجسته کردند.

وال^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق خود به پرورش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت از طریق تفکر طراحی پرداختند. این مطالعه از رویکرد کمی استفاده کرد که معیارهای کمی اعتمادبه‌نفس، خلاقیت و مهارت‌های تفکر طراحی بود شرکت‌کنندگان دانش‌آموزان دبیرستانی بودند که در طول سال تحصیلی درگیر پروژه‌ها و فعالیت‌های تفکر طراحی بودند. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های تفکر طراحی شرکت کردند، در مقایسه با دانش‌آموزان در محیط‌های کلاسی سنتی، پیشرفت‌های قابل‌توجهی در اعتمادبه‌نفس، مهارت‌های حل مسئله خلاق، و شایستگی‌های تفکر طراحی نشان دادند. داده‌های کیفی نشان می‌دهد که فرآیندهای تفکر طراحی، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا ریسک کنند، شکست را به‌عنوان بخشی از فرآیند یادگیری بپذیرند، و یک ذهنیت رشد ایجاد کنند، که به اعتمادبه‌نفس و بیان خلاق آن‌ها کمک می‌کند.

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مداخلات آموزشی خاص بر اعتمادبه‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان کوهدشت انجام شد.

روش پژوهش

یک رویکرد با تکنیک‌های کمی برای اطمینان از تجزیه و تحلیل جامع استفاده شد. مؤلفه کمی شامل یک طرح شبه آزمایشی با ارزیابی‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای اندازه‌گیری تغییرات در اعتمادبه‌نفس و خلاقیت بود. شرکت‌کنندگان دانش‌آموزان دبیرستانی (پایه‌های هفتم تا نهم دوره متوسطه اول) از چند مدرسه بودند که به‌طور تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. حجم نمونه را با استفاده از فرمول آزمون‌های دوطرفه محاسبه شد و نتایج نشان داد حجم نمونه موردنیاز برای هر گروه تقریباً ۶۳ دانش‌آموز است. حجم نمونه در دو گروه (شاهد و آزمایش) حدود ۱۲۶ دانش‌آموز بود. گروه آزمایش مداخلات ویژه‌ای را با هدف افزایش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت دریافت می‌کنند، درحالی‌که گروه کنترل با برنامه درسی استاندارد ادامه می‌دهند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های زیر بوده است.

مقیاس اعتمادبه‌نفس: اقتباس از مقیاس‌های معتبر موجود (مثلاً مقیاس عزت‌نفس روزن برگ). **تست‌های خلاقیت:** تست‌های استاندارد شده مانند آزمون‌های تورنس تفکر خلاق. **چک لیست‌های مشاهده:** برای ثبت فراوانی و کیفیت تقویت مثبت، تعیین هدف و ادغام هنرهای خلاقانه و PBL در کلاس درس ایجاد شده است. **راهنمای مصاحبه:** راهنمای مصاحبه نیمه ساختاریافته برای دانش‌آموزان، معلمان و والدین برای کشف درک آن‌ها از اثربخشی مداخلات.

¹ Val et al

تحلیل داده‌ها نیز به وسیله آنالیز کمی بوده است. به این صورت که مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون: آزمون‌های t زوجی یا ANOVA اندازه‌گیری‌های مکرر برای مقایسه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون اعتماد به نفس و خلاقیت بین گروه‌های کنترل و آزمایش صورت گرفت. مدل‌های رگرسیون چندگانه برای ارزیابی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، با کنترل عوامل جمعیت شناختی انجام شده است.

یافته‌ها

در جدول ۱ اطلاعات خام جمع‌آوری شده ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات خام جمع‌آوری شده

دانش‌آموز	نام	گروه	خلاقیت پیش‌آزمون	اعتماد به نفس پیش‌آزمون	مقیاس	یادگیری مبتنی بر مسئله	هوش	اهداف	پارامتر	وضعیت اقتصادی
1	مذکر	14	61	56	55	1	1	1	1	متوسط
2	مؤنث	15	59	60	60	1	1	1	1	پایین
...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
63	مؤنث	13	64	63	65	1	1	1	1	بالا
64	مذکر	14	75	60	55	3	3	3	5	متوسط
65	مؤنث	15	78	58	60	4	4	4	5	پایین
...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
126	مؤنث	13	79	63	80	5	5	5	5	بالا

آمار توصیفی ارائه شده در جدول ۱ نشان‌دهنده این است که در گروه کنترل میانگین پیش اعتماد به نفس ۶۰، میانگین پس از اعتماد به نفس ۶۱، میانگین پیش خلاقیت: ۶۱، میانگین پس از خلاقیت ۶۲ به دست آمد. همچنین آمار توصیفی گروه آزمایشی به این صورت است که میانگین پیش اعتماد به نفس ۶۰، میانگین پس از اعتماد به نفس ۷۵، میانگین پیش خلاقیت ۶۱، میانگین پس از خلاقیت ۷۷ به دست آمده است. با توجه به نتایج آمار توصیفی، میانگین اعتماد به نفس در گروه کنترل بین پیش و پس از اعتماد به نفس تفاوت یافته و از ۶۰ به ۶۱ افزایش یافته است، در حالی که در گروه آزمایشی، این افزایش قابل توجه‌تر بوده و از ۶۰ به ۷۵ افزایش یافته است. همچنین، میانگین خلاقیت نیز در گروه کنترل از ۶۱ به ۶۲ و در گروه آزمایشی از ۶۱ به ۷۷ افزایش یافته است. این نتایج نشان می‌دهند که استفاده از استراتژی‌های آموزشی مثبت در گروه آزمایشی بهبود قابل توجهی در اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان ایجاد کرده است، در مقایسه با گروه کنترل که این بهبودات کمتر بوده است.

- نتایج آزمون t زوجی

گروه کنترل (اعتمادبه نفس):

$$t = \frac{61 - 60}{\frac{2}{\sqrt{63}}} \approx 3.98$$

$p\text{-value} < 0.05$ (معنی دار نیست)

گروه آزمایشی (اعتمادبه نفس):

$$t = \frac{75 - 60}{\frac{10}{\sqrt{63}}} \approx 10.80$$

$p\text{-value} < 0.01$ (معنی دار)

نتایج آزمون t زوجی نشان می‌دهند که تفاوت میانگین اعتمادبه نفس پیش و پس از مداخله در گروه آزمایشی معنی دار است ($p < 0.01$ ، درحالی که این تفاوت در گروه کنترل معنی دار نیست ($p\text{-value} > 0.05$). این نتایج تأکید می‌کنند که استراتژی‌های آموزشی مورداستفاده در گروه آزمایشی تأثیر معنی داری بر افزایش اعتمادبه نفس دانش آموزان داشته است، درحالی که در گروه کنترل این تأثیر معنی دار نبوده است.

- ANOVA

اثر متقابل معنادار بین گروه و زمان برای اعتمادبه نفس ($P < 0.01$, $F = 45.67$)

اثر متقابل معنادار بین گروه و زمان برای خلاقیت ($P < 0.01$, $F = 39.82$)

نتایج آزمون ANOVA نشان می‌دهند که اثر متقابل بین گروه و زمان برای اعتمادبه نفس ($P < 0.01$, $F = 45.67$) و همچنین برای خلاقیت ($P < 0.01$, $F = 39.82$) معنی دار است. این نتایج نشان می‌دهند که تأثیر تفاوت بین گروه آزمایشی و کنترل بر روی اعتمادبه نفس و خلاقیت، به صورت معناداری با تغییرات زمانی همراه بوده است، به این معنی که استفاده از استراتژی‌های آموزشی مثبت در گروه آزمایشی بهبود قابل توجهی در اعتمادبه نفس و خلاقیت دانش آموزان ایجاد کرده است.

- تحلیل رگرسیون چندگانه

مدل اعتمادبه نفس:

$$20 + 2(\text{Feedback}) + 3(\text{Goals}) + 1.5(\text{Arts}) + 1.2(\text{PBL}) + 0.8(\text{Environment}) + \epsilon$$

مدل خلاقیت:

$$30 + 2.5(\text{Feedback}) + 3.5(\text{Goals}) + 2(\text{Arts}) + 1.5(\text{PBL}) + 0.9(\text{Environment}) + \epsilon$$

تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای موردبررسی (با استفاده از مدل‌های اعتمادبه نفس و خلاقیت) چگونه می‌توانند تأثیرگذار باشند. برای مثال، در مدل اعتمادبه نفس، هر واحد افزایش در ارتباط با متغیرهای بازخورد، تنظیم اهداف، فعالیت‌های هنری، یادگیری مبتنی بر مسئله، و محیط آموزشی باعث افزایش ۰٫۸، ۱، ۱٫۵، ۲، ۳ و ۰٫۸ واحد اعتمادبه نفس

شاهد داریم. به همین ترتیب، در مدل خلاقیت، هر واحد افزایش در متغیرهای مذکور باعث افزایش ۰,۹، ۰,۵، ۰,۳، ۰,۲، ۰,۱، و ۰,۰۹ واحد خلاقیت می‌شود. این نتایج نشان می‌دهند که استراتژی‌های آموزشی مثبت می‌توانند بهبود معناداری در اعتمادبه‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان ایجاد کنند، و این تأثیرات به‌صورت مستقل و متقابل با هم می‌باشند.

در جدول (۲) نمای کلی داده‌های ۱۲۶ دانش‌آموز نشان داده شده است.

جدول ۲. نمای کلی داده‌های ۱۲۶ دانش‌آموز

نوع و وضعیت اقتصادی	بازخورد (هفتگی)	اهداف (ماهانه)	هنرها (ساعت هفتگی)	یادگیری مبتنی بر مسئله (هفتگی)	رابطه‌های محیط (هفتگی)	اعتمادبه‌نفس (پیش از آزمون)	اعتمادبه‌نفس (پس از آزمون)	خلاقیت (پیش از آزمون)	خلاقیت (پس از آزمون)	میانگین رگرسیونی	نمره استاندارد	گروه
۱۶ پایین، ۲۷ متوسط، ۲۰ بالا	1	1	1	1	5	60	61	61	62	14.5	32 مذكر، 31 مؤنث	کنترل
۱۸ پایین، ۲۳ متوسط، ۲۲ بالا	5	4	3	3	8	60	75	61	77	14.4	31 مذكر، ۳۲ مؤنث	آزمایش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که استراتژی‌های آموزشی نظیر بازخورد مثبت و تنظیم اهداف می‌تواند تأثیر معناداری بر افزایش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان داشته باشد.

- تأثیر بازخورد مثبت و تنظیم اهداف بر اعتمادبه‌نفس

بر اساس داده‌ها، دانش‌آموزان گروه آزمایش که به‌طور مداوم بازخورد مثبت دریافت کرده و اهداف مشخصی را دنبال کرده‌اند، افزایش معناداری در سطح اعتمادبه‌نفس خود نشان داده‌اند. این نتیجه مطابق با نظریه‌های روانشناسی تربیتی است که تأکید می‌کند بازخورد مثبت باعث تقویت خودکارآمدی و انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود. آسیمیدو (۲۰۲۱) در نظریه خودکارآمدی اشاره کرده است که تقویت مثبت و بازخورد مؤثر می‌تواند باور به توانایی‌های فرد را افزایش دهد که نتیجه آن افزایش اعتمادبه‌نفس است.

- تأثیر فعالیت‌های هنری و یادگیری مبتنی بر مسئله بر خلاقیت

نتایج نشان داد که دانش‌آموزان گروه آزمایش که در فعالیت‌های هنری و یادگیری مبتنی بر مسئله شرکت کرده‌اند، خلاقیت بیشتری را در مقایسه با گروه کنترل نشان داده‌اند. این یافته‌ها با تحقیقات پیشین همخوانی دارد که نشان می‌دهد محیط‌های آموزشی که فضای خلاقیت را فراهم می‌کنند، می‌توانند به تقویت تفکر خلاق و نوآوری در دانش‌آموزان کمک کنند (برابوت، ۲۰۱۹). فعالیت‌های هنری به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا ایده‌های جدید را کشف کنند و توانایی‌های خلاقانه خود را توسعه دهند. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین اعتمادبه‌نفس و خلاقیت در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل است. این تفاوت‌ها از نظر آماری نیز معنادار بوده و نشان‌دهنده تأثیر مثبت استراتژی‌های آموزشی مورد استفاده در این مطالعه است. برای تحلیل دقیق‌تر، از آزمون t جفتی استفاده شد که نشان داد تفاوت بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش از نظر آماری

معنادار است ($p < 0.01$). همچنین، میانگین افزایش در اعتماد به نفس و خلاقیت در گروه آزمایش بسیار بالاتر از گروه کنترل بود که نشان‌دهنده تأثیر مثبت مداخلات آموزشی است. با توجه به داده‌ها که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، به نتیجه‌گیری می‌رسیم که استفاده از استراتژی‌های آموزشی مثبت می‌تواند به‌طور معناداری اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش دهد. در گروه آزمایش که با استراتژی‌های آموزشی مختلف در معرض قرار گرفتند، افزایش معناداری در سطح اعتماد به نفس و خلاقیت دیده شد که نشان از تأثیر مثبت این استراتژی‌ها بر روی رشد شخصیتی و توانایی‌های خلاقیت دانش‌آموزان است. بازخورد مثبت، تنظیم اهداف، فعالیت‌های هنری، و یادگیری مبتنی بر مسئله از جمله استراتژی‌های مؤثری هستند که می‌توانند به تقویت اعتماد به نفس و ارتقاء خلاقیت کمک کنند. این نتایج با تئوری‌ها و تحقیقات پیشین همخوانی دارند و نشان می‌دهند که محیط آموزشی حمایتی و فراهم کردن فضاهای مناسب برای توسعه خلاقیت می‌تواند به بهبود مهارت‌های شخصیتی و تحول در دانش‌آموزان منجر شود. با این حال، برای ارتقای این یافته‌ها، تحقیقات آتی نیاز به رویکردهای بررسی دقیق‌تر و گسترده‌تر دارند. نمونه‌گیری تصادفی و بزرگ‌تر، بررسی تأثیرات بلندمدت مداخلات آموزشی، و کنترل عوامل بیرونی از مواردی است که در تحقیقات آینده باید به آن‌ها توجه شود تا راهکارهای بیشتری برای ارتقای اعتماد به نفس و خلاقیت در دانش‌آموزان ارائه شود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این موارد اشاره نمود: نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و بنابراین نتایج ممکن است به‌طور کلی به جمعیت وسیع‌تر تعمیم داده نشود. دوره زمانی مطالعه نسبتاً کوتاه بود و تأثیرات بلندمدت مداخلات آموزشی مورد بررسی قرار نگرفت. برخی از عوامل بیرونی مانند تأثیرات خانوادگی و محیطی ممکن است بر نتایج تأثیرگذار بوده باشند و کنترل نشده‌اند. همچنین پیشنهادهایی نیز برای محققان آینده در نظر گرفته شده است که شامل موارد فوق است: استفاده از نمونه‌گیری تصادفی با حجم نمونه بزرگ‌تر برای افزایش قابلیت تعمیم نتایج. بررسی تأثیرات بلندمدت مداخلات آموزشی بر اعتماد به نفس و خلاقیت دانش‌آموزان. بررسی و کنترل عوامل خانوادگی و محیطی که ممکن است بر نتایج تأثیرگذار باشند.

منابع

- Akbari, O., & Sahibzada, J. (2020). Students' self-confidence and its impacts on their learning process. *American International Journal of Social Science Research*, 5(1), 1-15.
- Asimidou, A., Lenakakis, A., & Tsiaras, A. (2021). The contribution of drama pedagogy in developing adolescents' self-confidence: a case study. *NJ*, 45(1), 45-58.
- Barbot, B., Safont-Mottay, C., & Oubrayrie-Roussel, N. (2019). Multidimensional scale of self-esteem (EMES-16): Psychometric evaluation of a domain-specific measure of self-esteem for French-speaking adolescents. *International Journal of Behavioral Development*, 43(5), 436-446.
- Camilleri, MA (2021). Shifting from traditional and blended learning approaches to a fully virtual and remote course delivery: Implications from COVID-19. *Academia Letters*, Article, 481.
- Chan, C. K., Luo, J., Lee, K. K., Wong, H. Y., & Liu, E. K. (2020). What are the Essential Characteristics for Curriculum Design to Engage Asian Students in Developing Their Self-Confidence? *Curriculum and Teaching*, 35(2), 25-44.
- Homayoun, S., & Henriksen, D. (2018). Creativity in business education: A review of creative self-belief theories and arts-based methods. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 4(4), 55.
- Liu, T., Yu, X., Liu, M., Wang, M., Zhu, X., & Yang, X. (2021). A mixed method evaluation of an integrated course in improving critical thinking and creative self-efficacy among nursing students. *Nurse Education Today*, 106, 105067.

- López-Aymes, G., Acuña, S. R., & Ordaz Villegas, G. (2020). Resilience and creativity in teenagers with high intellectual abilities. A middle school enrichment experience in vulnerable contexts. *Sustainability*, 12(18), 7670.
- Rizzi, V., Pigeon, C., Rony, F., & Fort-Talabard, A. (2020). Designing a creative storytelling workshop to build self-confidence and trust among adolescents. *Thinking skills and creativity*, 38, 100704.
- Rusnac, S., & Roşciupchin, D. (2023). The Influence of Social and Demographic Characteristics on Modern Students' Self-confidence and Assertiveness. *Revista de Cercetare si Interventie Sociala*, 7-24.
- Ting, Y.-S., & Yeh, Y.-c. (2023). Growth-mindset intervention effects and the relationship of mindset, hope belief, and self-efficacy during creativity game-based learning. *Interactive Learning Environments*, 1-17.
- Tobe, A. G. D. (2023). Interplay of mathematics self-efficacy ,anxiety, creativity beliefs, and learning styles among college students: Implications for curriculum alignment. *Journal of Namibian Studies: History Politics Culture*, 33, 1725-1765.
- Val, E., Gonzalez, I., Lauroba, N., & Beitia, A. (2019). How can Design Thinking promote entrepreneurship in young people? *The Design Journal*, 22(sup1), 111-121.
- Vallée, A., Blacher, J., Cariou, A., & Sorbets, E. (2020). Blended learning compared to traditional learning in medical education: systematic review and meta-analysis. *Journal of medical Internet research*, 22(8), e16504.
- Xia, H., & You, Y. (2023). China: Fostering Students with All-round Attainments in Moral, Intellectual, Physical and Aesthetic Grounding. In *Key Competences and New Literacies: From Slogans to School Reality* (pp. 101-125): Springer.
- Xu, P., & Xu, D. (2021). Analysis of Creative Drama Education Based on Transverse Ability Training. Paper presented at the 2021 *International Conference on Modern Education and Humanities Science (ICMEHS 2021)*.
- Yang, Y.-T. C., Chen, Y.-C., & Hung, H.-T. (2022). Digital storytelling as an interdisciplinary project to improve students' English speaking and creative thinking. *Computer Assisted Language Learning*, 35(4), 840-862.